

تاریخ وصول: ۱۳۹۱/۰۵/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۰۷/۰۶

الگوپذیری از استراتژی زنان صدر اسلام در تقویت بنیه بیداری اسلامی

در منطقه

مریم حکمت نیا^{۱*}
مهدیه السادات مستقیمی^۲
پروانه فرداد^۳

۱- استادیار دانشگاه قم، قم، ایران.
۲- استادیار دانشگاه قم، قم، ایران.
۳- مربی دانشگاه قم، قم، ایران.

چکیده

در این پژوهش، ضمن ارائه تحلیلی از معنای بیداری اسلامی و بازخوانی معنای استراتژی، اهمیت نقش توجه به استراتژی بانوان صدر اسلام و جنبه‌های الگویی آن در موضع‌گیری‌های سیاسی تبیین شده است و با ارائه شاخصه‌های اصلی این استراتژی نظیر ولایت‌پذیری بصیرت صبر و مقاومت در عرصه‌های مختلف نظیر جهاد رزمی، دفاعی، فرهنگی، عقیدتی و بیان نحوه استفاده از فرصت‌ها همراه ذکر مصادیقی تاریخی، الگوها و مدل‌ها و راهبردهایی به منظور پویایی و ارتقاء نقش بانوان در جریان بیداری اسلامی ارائه شده است.

کلمات کلیدی: بیداری اسلامی، استراتژی، مقاومت، زنان.

Email: hekmatnia290@yahoo.com

* ایمیل نویسنده

مقدمه

امروزه کشورهایی که دارای پیشینه و تمدن نیستند با هویت‌سازی تصنعی برای خود پشتوانه درست می‌کنند تا در مسابقه پیشرفت به رقابت پردازند درحالی‌که پیشینه جریان بیداری اسلامی یک سند چند هزار ساله است که از عصر نزول تا به حال امتداد دارد. اگر ما بتوانیم این جریان بیداری برای امروز بهره‌برداری نماییم هم اکنون بیداری اسلامی در حال آمادگی به دست آوردن یک جهش بزرگ و رسیدن به قله‌های اقتدار و فتوحات است.

تعامل صحیح جریان بیداری اسلامی با فرآیندهای جهانی و تدوین راهبردها و سیاست‌های توسعه و ترویج این جریان و آینده‌نگری و تعیین عوامل محتمل‌الوقوع و گذشته‌کاوی و آسیب‌شناسی صحیح آن و تعیین خط مشی و اصول و سیاست‌های این جریان با الگوهای صحیح و تدوین مدل‌های ویژه سیر بهتر و پر شتاب تر و رو به رشدی را طی خواهد کرد.

ادعای این مقاله این است که با ریشه‌یابی و تحلیل تاریخ سیاسی اسلام و نقش الگویی بانوان در آن می‌تواند ما را به طراحی یک استراتژی دقیق و اصل گرداند. ابعاد این استراتژی بر اساس کشف و اصطیاد شاخصه‌های اصلی الگویی در صدر اسلام ترسیم می‌شود.

تحلیل مفهوم بیداری اسلامی

مفهوم بیداری در نگاه نخستین مفهومی بدیهی به نظر می‌رسد و نیاز به ابهام‌زدائی ندارد؛ ولی از آن جا که هر واژه‌ای در طی زمان و در عرصه کارکرد و استفاده‌های ویژه زبانی ممکن است دارای توسعه و یا ضیق دایره معنایی گردد، یا معانی متفاوت و جدیدی پیدا کند و یا معانی حقیقی و مجازی و استعاره‌ای ویژه‌ای را به اذهان متبادر نماید؛ لذا نخست باید به بررسی مفهومی آن پرداخته، تصویری از تعریف قلمرو آن ارائه داد.

واژه بیداری در ترکیب وصفی بیداری اسلامی، کلمه‌ای است که در دایره واژگان شیرین فارسی بسیار رایج است. در فرهنگ عمید بیداری به دو معنای: (الف) بیدار بودن و (ب) هشیار بودن آمده است (ر.ک فرهنگ عمید: ماده بیداری).

در فرهنگ معین نیز برای این واژه همین دو معنا با تغییرات ذیل بیان شده است:

۱. عمل بیدار بودن، یقظه، مقابل خواب

۲. هشیاری و آگاهی

هر دو معنا در ظاهر، معنی حقیقی بیداری است. هر چند که ممکن است در برخی رویکردهای استعمالات زبانی، هشیاری بعد از غفلت را معنای مجازی بیداری قلمداد کرد.

برخی مبانی زبان‌شناختی نیز ناظر به این مدعا است که کلمه بیداری از آغاز برای روح معنای بیداری وضع شده است و در هر نشئه و موقعیتی، مناسبات و شاخصه‌های مربوط به آن را دارد. بر این مبنا، بیداری که نقطه مقابل آن خواب است یکی از مصادیق واژه بیداری می‌باشد و بیداری که نقطه مقابل آن بی‌هوشی یا غفلت است نیز یکی دیگر از مصادیق است.

واژه بیداری اسلامی که نخست در بیانات سیاسی مقام معظم رهبری استعمال گردید به دلیل غلبه معنی هشیاری و آگاهی که با جریان‌ات سیاسی اخیر مرتبط بود، در جهان عرب با واژه «الصحوه» ترجمه شد که غالباً به همان معنی هشیاری است. هشیاری بعد از مستی و یا هشیاری بلوغ بعد از پایان یافتن دوره کودکی که در لسان العرب، ج ۷ به آن اشاره شده است.

هر دو مؤلفه مفهومی در جریان‌ات سیاسی بیداری اسلامی اخیر مشاهده می‌شود. البته به مقتضای قاعده تعرف الاشياء بأضدادها، با توجه به تقابل معنایی کلمه «الصحوه» با غفلت، نیز می‌توان به بارهای معنایی بیشتری درباره این کلمه واقف گردید.

وصف اسلامی نیز در این ترکیب می‌تواند مشعر به دو معنی باشد:

۱. بیداری مسلمانان و توجه و آگاهی آنان از جریان‌ات و حوادث و دسیسه‌هایی

که در قالب‌های مختلف علیه اسلام و مسلمین طراحی و اعمال می‌شود.

۲. بیداری انسان‌ها اعم از مسلمانان و غیرمسلمان و آگاهی یافتن آنان از

مسائل فوق‌الذکر و خیزش عمومی به منظور قطع ایادی دشمنان مغرض و اعاده حیات دینی یا اسلامی در مبارزه با حرکت‌های سکولاریسم و دین‌ستیز از یک

سو و برجیدن قدرت‌های ظالم و ظلم گستر از سوی دیگر. بنابر آنچه گفته شد بخشی از مردم اعم از مسلمان و غیرمسلمان که در اعصار گذشته مدت مدیدی را در غفلت خواب یا مستی و یا طفولیت بودند، امروزه در اثر عوامل و شرایط برونوی یا درونی متحول گشته و به آگاهی رسیده و ضرورت اعاده حیات دینی و یا اسلامی را به جامعه بشری دریافته‌اند.

اهمیت الگوپذیری از نمونه‌های عملی اسلام

اعاده حیات دینی و احیای شاخصه‌های آن در عصر جدید مستلزم نگرشی نو به گذشته دینی افرادی است که در سایه رهبری ادیان الهی و نهایتاً دین مبین اسلام زندگی کرده، تحت تربیت مستقیم پیامبران و اولیای الهی قرار گرفتند و قول، فعل و تقریر معصومین اعم از پیامبران و ائمه اطهار علیهم السلام را الگوی رفتاری خویش قرار دادند.

نقش الگو در جامعه بشری به قدری حائز اهمیت است که اکثر مکتب‌های فکری یا سیاسی در این رابطه سخن رانده‌اند، و فردی را که از دید آن‌ها مثال اکمل و نمونه اعلا باشد معرفی کرده‌اند.

مثلاً بودا و کنفوسیوس درباره انسان کامل که الگوی رفتاری مکتب آن‌هاست نظر داده‌اند. افلاطون و ارسطو این مطلب را به تفصیل بیان کرده‌اند و حتی از اصحاب مکتب‌های مادی امثال نیچه و مارکس نیز در این باره ساکت نبوده و نگاه خود را درباره انسان کامل بیان داشته‌اند. اهل تصوف و عرفان نیز در عرصه انسان کامل و توانمندی‌های او مباحث مفصلی ارائه داده‌اند.

علی‌رغم اختلافات گوناگونی که در آراء و نظرات آنان وجود دارد، باید گفت همگی در این امر متفق‌اند که انسانی که باید الگو قرار گیرد با بقیه افراد فرق می‌کند و دیگران باید تلاش کنند تا خود را با ویژگی‌های وجود او تطبیق دهند و از او پیروی کنند.

لازم به ذکر است که حتی هر یک از مکتب‌ها از انسان کامل با نام خاصی تعبیر کرده‌اند و برای او واژه متمایزی را به کار برده‌اند.

بودا انسان الگویی خود را «آرہات» و کنفوسیوس آن را «کیوتسو» می‌نامد. افلاطون «فیلسوف» و ارسطو «انسان شریف» نام می‌نهند. یوگا از او با واژه «انسان آزاده» و صوفی با «قطب و شیخ» از آن تعبیر می‌کنند. نیچه آن را «ابر انسان» معرفی می‌کند. گفتنی است که در منطق قرآن از آن به عنوان «اسوه» نام برده شده و نام وصفی آن در احادیث اسلامی «مهدی» آمده است.

وجود الگو از آن جا ضروری به نظر می‌رسد که مباحث نظری صرف تا وقتی در وجود شخصیت انسانی عینیت نیابد و به بار نشیند، هرگز نخواهد توانست رهیافت‌ها و شیوه‌های تربیتی مؤثری را درباره هم‌نوعان خود، اعمال و ایجاد کشش و جاذبه نماید. از این رو هر مکتبی بعد از ارائه آراء خود کوشیده است تا نمونه‌ای کامل از اندیشه‌های مکتبی خود را که در وجود انسانی به طور کامل، و در ابعاد و زوایای مختلف شکل گرفته معرفی نمایند.

به عبارت واضح‌تر، وجود الگوی عملی در هر مکتب می‌تواند اولاً: میزان و قابلیت عملی بودن آراء و نظرات آن مکتب و امکان تنزل از مرحله نظر به عمل را در آن ثابت کند.

ثانیاً: تصویری از شخصیت افرادی که فکر و روان و رفتارهای خود را بر اساس آن ایده‌ها بازسازی کرده‌اند ارائه دهد و میزان محبوبیت یا عدم محبوبیت چنان شخصیتی را از دید پیروان مکتب ارزیابی کند.

ثالثاً: تصویری از سرانجام و سرنوشت افرادی که از آن مکتب پیروی کردند، ارائه دهد تا هر انسانی بداند با پیروی از آن مکتب حائز چه شخصیتی می‌تواند باشد و چه عاقبت و سرانجامی در انتظار اوست و پایان راهش به کجا خواهد انجامید. و در نهایت، این امور کمک خواهد کرد که انسان با دیدی روشن و دور از ابهام بتواند راه و روش و هدف نهایی خود را گزینش نماید.

خوشبختانه، مکتب‌های الهی و به خصوص مکتب اسلام که پیشرفته‌ترین و مدرن‌ترین آن‌هاست، از نظر الگوهای عملی بسیار غنی بوده و راه و روش کاملاً روشنی را از این طریق ارائه داده است. از این رو انسانی که در آستانه قرن بیست و یکم زندگی می‌کند و دوره بحران‌های عمیق و وسیعی را در وادی نظر و عمل تجربه می‌کند و مشتاق دریافت تصویری از یک شخصیت جامع به عنوان الگوی

تربیتی است بدون شک گمشده خود را در اسلام می‌یابد.

نقش الگویی بانوان صدر اسلام در موضع‌گیری‌های سیاسی

سیاست به معنی قیام به هر چیزی است که صلاح و مصلحت در آن باشد. دو مقوله رفتار سیاسی و بینش سیاسی می‌تواند خط مشی اصلی یک جریان سیاسی را تعیین نماید.

رفتار سیاسی نوعی فعالیت سیاسی است و بینش سیاسی فهم عمیق مسائل و حسن و سرعت تشخیص و باریک‌بینی در سیاست‌گذاری و تدبیر است.

تحلیل تاریخ سیاسی اسلام هم می‌تواند الگوهایی از بینش و رفتار سیاسی بانوان نمونه صدر اسلام فرا راه جریان بیداری اسلامی قرار دهد.

به عنوان نمونه موضع‌گیری در مقابل غصب فدک هر چند به ظاهر یک حرکت اقتصادی است ولی در حقیقت یک رفتار سیاسی است. این رفتار سیاسی از غصب فدک نمادسازی می‌کند و آن را به عنوان نمادی برای مخالفت با حکومت معرفی می‌نماید.

نمونه بینش سیاسی تأثیرگذار را نیز می‌توان در سخنان برترین بانوی فعال سیاسی اسلام حضرت فاطمه - سلام‌الله علیها - مشاهده کرد.

ایشان در عبارت شریف «آن لزمکم‌ها و انتم لها کارهون» بر این بینش سیاسی تأکید می‌نمایند که آیا ما شما را به پذیرش حقیقت مجبور کنیم درحالی که شما از آن کراهت دارید.

این بینش سیاسی حاکی از آن است که این بانو ابزار اجبار و الزام را در جذب سیاسی، فاقد کارایی لازم می‌داند و متن و سبک خطبه ایشان نشان می‌دهد که برای ایجاد انگیزش باید سرمایه‌گذاری نمود لازم است از درونی‌سازی کمک کرد. مردان را بر دوش بشری و به لحاظ کیفی از آن جا که بار تربیت و سازندگی می‌کشند گویا تمام حقیقت جامعه را تشکیل می‌دهند. نقش آنان در ساختن و تداوم حیات انسان‌ها و ساختار فکری و فرهنگی جامعه بر کسی پوشیده نیست. زن و مرد دو موجودی هستند که جوامع انسانی با وجود آنان شکل می‌گیرد،

تکامل می‌یابد و تداوم پیدا می‌کند. اولین موجوداتی که برای اقامه دین الهی و تحقق جانشینی خدا پا بر زمین نهادند، یک زن و یک مرد بودند و این بدین معنی است که حتی اقامه دین الهی در دنیا و رسیدن به مقام کامل خلیفه الهی در روی زمین، با همدستی زن و مرد امکان‌پذیر است. این روش همچنان در طول تاریخ به چشم می‌خورد.

در هر حرکت موفق تاریخی، همدستی و همیاری زنان و مردان را آشکارا می‌بینیم. در کنار آدم حوا، در جنب ابراهیم هاجر، همراه موسی آسیه، و در معیت عیسی مریم و پا به پای رسول گرامی اسلام خدیجه، و همراه و همگام علی زهرا مرضیه - سلام الله علیها - و در تنگاتنگ نهضت حسینی زینب کبری قرار گرفته است تا دین خداوندی آرام آرام در جوامع منحط و غفلت زده و نظام جاهلیت کور جایی برای خود باز کند و در بین ظلمت‌های کفر و شرک، نظام توحید شکل بگیرد، یا از آسیب آشوبگران و فتنه‌انگیزان محافظت گردد.

یکی از بزرگترین حوادثی که در تاریخ بشر به وقوع پیوست طلوع خورشید مردی به نام محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) بود که در قلب سیاهی جاهلیت نور آفرید و به فضل پتانسیل وجودش در کمتر از نیم قرن دو سوم جهان در تسخیر دین او درآمد و اسلام به عنوان کامل‌ترین و پیشرفته‌ترین دین الهی احیاگر حقوق انسان به طور عام و حقوق زن به طور ویژه شد و او را حتی در پیروزی‌های اجتماعی و نظامی خویش سهیم دانست.

قرآن کریم در آیات متعدد بر اهمیت و ارزش ذاتی و دینی و فرهنگی و اجتماعی و سیاسی زنان صحنه گذاشت و به نقش زیربنایی زنان و مردان در عرض یکدیگر تصریح فرمود و موفقیت اسلام و شکست کافران را مرهون تلاش‌های هر دو جنس معرفی کرد و فرمود: ... وَلَوْ لَأَ رَجَالٌ مُّؤْمِنُونَ وَنِسَاءٌ مُّؤْمِنَاتٌ لَّمْ تَعْلَمُوهُمُ أَنْ تَطَّوُّوهُمُ فَتُصَيِّبُكُمْ مِنْهُمُ مَعْرَةٌ بَغَيْرِ عِلْمٍ لِيَدْخُلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ لَوْ تَزِيلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» (الفتح/۲۵).

و برخلاف افکار و عادات جاهلی او را در تولیدمثل سهیم دانست. یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى (الحجرات/۱۳)، و به فضل تقوی تکریمش کرد: إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ (الحجرات/۱۳). و او را به عرصه ایمان و عمل صالح کشاند

و به او وعده حیات طیبه و بهشت داد: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (النحل/۹۷) و او را در امر به معروف و نهی از منکر و اقامه نماز و ایتاء زکوه و طاعت خدا و رسول که همگی عرصه‌های عبادی - اجتماعی هستند هم پای مردان به صحنه آورد و فرمود: وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (التوبة/۷۱). بدین ترتیب نه تنها فضاهای اجتماعی بلکه فضاهای معنوی وسیع و رفیعی را برایشان گشود و با ارائه الگوهای تاریخی امثال حضرت مریم (ع) و مادر موسی (ع) امکان اوج عرفانی زن را تا بلندای تلقی وحی و معاینه حضرت جبرئیل گوشزد فرمود.

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ (القصص/۷)،
وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَىٰ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ (آل عمران/۴۲)

قرآن با معرفی بعضی بانوان برگزیده چنان بالندگی و رشد شخصیتی و بلوغ فکری سریعی در بانوان پدید آورد که متوجه شدند، زن برخلاف بینش جاهلیت، آن موجود بی‌مقداری نیست که لایق زنده‌به‌گور شدن باشد و یا وسیله کامجویی و یا محروم از مواهب مادی و معنوی بلکه او می‌تواند از جمیع مواهب مادی و معنوی به میزان تلاش خود بهره گیرد: ... لِلرَّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا لِلنِّسَاءِ وَ لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا ... (النساء/۳۲).

و از ارث طبق مقررات الهی به دست آورد: يُوَصِّيْكُمْ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ .. (النساء/۱۱)

آری او می‌تواند در کنار بهره‌مندی از مواهب مادی، به چنان تقوا و عفاف و معرفتی نایل آید که نه تنها الگوی بانوان عصر خویش باشد بلکه در او قابلیت و استعداد الگو بودن برای نسل‌های بعد عصرهای آینده وجود دارد.

خداوند به صراحت، مریم و آسیه را مثال و نمونه‌ای از زنان معرفی فرمود که می‌توانند الگوی همه جوامع ایمانی اعم از زن و مرد باشند.

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ * وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا مِنَ الْقَوَانِينِ (التحریم/ ۱۱ و ۱۲).

بنا به تصریح قرآن شخص پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) کامل ترین انسان و برترین الگوی مؤمنان بودند: لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا (الأحزاب/ ۲۱) و کمال ایشان ایجاب می کرد که بتواند مثل و مانند خود را تولید کند؛ لذا با تربیت آینه تمام نمای خود مدرن ترین الگوی نظام الهی را در وجود دخترشان که بضعه و پاره تنشان بود (امینی، ۱۳۸۷، ج ۷: ۲۳۲) پرورش داد و فرمود: «فاقتدوا بالزهره و الزهره فاطمه» (صدوق، ۱۳۹۹ق: ۱۱۴)

پیامبر با اعطای لقب ام اییها به او (اصفهانى، ۱۹۶۵، ص ۱۰۱) جایگاه رفیع زن را از دیدگاه الهی و اسلامی عرضه کرد و با تکریم، به پا خواستن در برابر او و بوسیدن و بوئیدن او (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۳۳۳) و تکریم حقیقی زن را به نمایش گذاشت و با تجلیل از فرزندان دخترش و معرفی آنان به عنوان فرزندان خودش: الحسن و الحسين ابنای، در صدد براندازی یکی از قوی ترین عادات و رسوم غیرانسانی جاهلی برآمد و بینش های پیشرفته اسلام را به طور عملی ارائه داد.

طبیعی است که در یک چنین جوی، زنان هویت خود را بازیابند و استعداد های نهفته و خفته آنان شکوفا گردد و جامعه اسلامی شاهد سیل عظیمی از بانوان باشد که در عرصه های مختلف مدال قهرمانی را کسب کنند و در آسمان معنویت چون ستاره هایی بدرخشند و چراغ ره گم کردگان در تاریکی عصرهای آینده شوند و امروزه مردان و زنان در عصر بیداری اسلامی بتوانند با اعاده خاطرات و نقش های آنان چراغ هایی پر فروغ در جلوی راه حرکت خود بیفروزند با شناسایی و بهره گیری از استراتژی آنان به الگوهای ارزنده دست یابند.

استراتژی زنان صدر اسلام

استراتژی در لغت به معنای خط مشی و برنامه می‌باشد (میرزایی، ۱۳۸۱) و در اصطلاح، علم و هنر به کارگیری تمام نیروها در محیط و شرایطی که تضاد و چالش وجود دارد است. در این مقاله بعد از تبیین پارادایم بیداری اسلامی، به بیان برخی از شاخصه های موجود در استراتژی بانوان خواهیم پرداخت.

۱- معنویت دینی و خداگرایی به مثابه پارادایم بیداری اسلامی

هر ایدئولوژی از یک جهان بینی سرچشمه می‌گیرد و زیرساخت همه فروع و جلوه‌های رفتاری معتقدین به یک ایدئولوژی معمولاً به یک پارادایم و یا بنیان اصلی منجر می‌شود.

بنیادی ترین خاستگاه و زیرساختی ترین رکن در بیداری اسلامی بانوان هم در صدر اول و هم در دوره اخیر ریشه در معنویت و خدامحوری دارد. از اصل معنویت و توحید نمی‌توان به عنوان شاخصه‌ای در عرض سایر شاخصه‌ها یاد نمود؛ بلکه این مقوله به عنوان مبنای خیزش‌ها در جریان بیداری اسلامی محسوب می‌گردد. چه بسا بتوان این مقوله را نه تنها به عنوان یک مبنا بلکه به عنوان یک «پارادایم» برشمرد. «پارادایم» تعبیری است که پس از انقلاب علمی اخیر بر اساس نظریه کوهن وارد ادبیات فلسفه علم گردیده است و نمی‌توان معادل دقیق فارسی برای آن یافت. چه بسا بتوان مقوله مبنایی بنیادینی را که به مثابه یک سامانه و دستگاه فکری در همه اندیشه‌های مربوطه تأثیرگذار است، به عنوان یک پارادایم معرفی کرد. با توجه به تعریفی که از پارادایم ارائه شد چه بسا بتوان پارادایم جریان بیداری اسلامی در صدر اول اسلام و همچنین در دهه اخیر را معنویت دینی و خدامحوری معرفی نمود.

معنویت دینی به عنوان رکنین ترین مقوله فطری، بشریت را از ظلمات جاهلیت به سوی خداشناسی و خداگرایی فرا می‌خواند و از آن جا که این نوع معنویت در دین مبین اسلام صبغه ویژه‌ای دارد لذا جذابیت‌های فراوانی پیرامون این مقوله

رقم زده شده است.

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید: «امروز در میان امت اسلامی بیشترین جاذبه متعلق به اسلام و قرآن است و... این یک پدیده بسیار مبارک و بسیار مهم و پرمعنایی است... آنچه که در مصر و تونس و لیبی و یمن و بحرین و سایر کشورها در مقوله بیداری اسلامی به انجام رسیده است، انگیزه آن در معنویت و توحید بوده است» (بیانات، ۱۳۹۰).

معنویت و خدامحوری یکی از اصلی‌ترین ارکان خیزش موج بیداری زنان در صدر اسلام بود. بشر خسته از جاهلیت گریزان از سیاهی‌ها و ظلمات (اعم از زن و مرد)، در جستجوی دست‌آویز و ریسمان مستحکمی بود که بتواند با تمسک به آن به وادی نورانیت قدم بگذارد و آن ریسمان محکم چیزی جز معنویت و خدا محوری نبود.

این وجه تشابه و اشتراک بسیار روشن بین موج بیداری در دوران جاهلیت و موج بیداری معاصر در جاهلیت جدید را مقام معظم رهبری این چنین توصیف می‌فرمایند:

«بدانید امروز تاریخ جهان، تاریخ بشریت بر سر یک پیچ بزرگ است و بشریت امروز از مکاتب و ایدئولوژی‌های مادی عبور کرده است، امروز نه مارکسیسم جاذبه دارد نه لیبرال نه... این قرن اسلام است، این قرن، قرن معنویت است.. اسلام عقلانیت را و معنویت را با یکدیگر به ملت‌ها هدیه می‌دهد. اسلام عقلانیت، اسلام تدبر و تفکر، اسلام معنویت، اسلام توجه و توکل به خدای متعال، اسلام جهاد، اسلام کار، اسلام اقدام، این‌ها تعالیم خدای متعال و تعالیم اسلام است. امروز نهضت اسلامی در دنیای اسلام شیعه و سنی نمی‌شناسد، شافعی و حنفی و مالکی و حنبلی و زیدی نمی‌شناسد، عرب و فارس و بقیه قومیت‌ها را نمی‌شناسد. در این میدان عظیم همه هستند. سعی کنیم دشمن بین ما تفرقه نیندازد. همه باهم احساس برادری کنیم، هدف را مشخص کنیم. هدف اسلام است. هدف حکومت قرآنی و اسلامی است.

البته بین کشورهای اسلامی مشترکاتی وجود دارد. تمایزهایی هم وجود دارد. هیچ‌الگوی واحدی برای همه کشورهای اسلامی وجود ندارد. در کشورهای

مختلف جغرافیایی، شرایط تاریخی، شرایط اجتماعی مختلف است. اما اصول مشترکی وجود دارد: همه با استکبار دشمنیم. همه با تسلط و سیطره خباثت‌آمیز غرب مخالفیم. همه با وجود غده سرطانی اسرائیل مخالفیم. عزیزان من، فرزندان من! مواظب باشید دشمن حرکت شما را متوقف نکند. خدای متعال در دو جای قرآن به پیغمبرش می‌فرماید: فاستقم كما امرت. استقامت کن. استقامت دینی، ایستادگی کردن، ادامه دادن، راه را دنبال کردن، متوقف نشدن، این رمز کار است» (همان).

چالش و تأمل در سویه‌های مختلف استراتژی بانوان صدر اسلام در رویارویی با جریان‌های مخالف نشان می‌دهد که ویژگی‌های مشترکی که می‌توان از آن‌ها با تعبیر شاخصه یاد کرد در بسیاری از این برخوردها و استراتژی‌ها وجود داشته است. شناسایی این شاخصه‌ها می‌تواند به صورتی مؤثر در تعیین خط‌مشی بیداری اسلامی؛ به ویژه در مقوله نقش بانوان در بیداری اسلامی تأثیرگذار باشد که ذیلاً به برخی از این شاخصه‌ها اشاره می‌شود:

شاخصه اول: ولایت پذیری

در نظام الهی بر خلاف نظام‌های بشری، طراح، شکل دهنده و سازنده فکری و اخلاقی و عملی انسان‌ها صرفاً امر خداوند تبارک و تعالی است که از طریق پیامبران دریافت و ابلاغ می‌گردد و یا از طریق اولیا و جانشینان انبیاء، مدیریت، حراست، رهبری و نظارت می‌شود.

در این نظام، ارتباط انسان‌ها با امر خداوند فقط در قالب رابطه‌شان با واسطه‌های برگزیده الهی معنی می‌یابد و با رهبری آنان شکل می‌گیرد. آیات عدیدی در قرآن این مطلب را بیان می‌کند مثل:

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (آل عمران/۳۱)

إِنَّ الَّذِينَ يَبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا (الفتح/۱۰)

فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ وَلِيُبْلِيَ
 الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (الأنفال/ ۱۷)

از سوی دیگر، هر یک از افراد جامعه دینی، همچون سلولی از سلول‌های پیکره نظام شکوهمند الهی به شمار می‌رود که برگزیدگان و منصوبین از طرف خداوند تبارک تعالی مغز مدیر و مدبر این پیکره به شمار می‌روند.

در جهان بینی اسلامی رهبری و مردم و به تعبیر سنتی تر، ولیّ و موالی، یا امام و مأموم، دو رکن اصیل و زیربنائی جامعه اسلامی هستند. ولیّ الله، یک قطب واحد واجب الطاعه است که تمام دستورات را مستقیماً و یا با واسطه از خداوند دریافت می‌دارد و بدون کم و کاست به مردم ابلاغ می‌کند. رکن دوم: مردمی هستند که فرامین رهبر را به صورت وجوب عینی به کار می‌بندند و با تأسی به رفتارهای او- به اعتبار رهبری که الگوی عملی موّید از جانب خداست- روح و جسم و روان خویش را می‌سازند و سلامت و پیشرفت جامعه را پدید می‌آورند. نقش ولایت در جامعه اسلامی همانند تار و پود است که همه دانه‌های متفرق و منثور را به یکدیگر پیوند می‌دهد و به آن‌ها موجودیت واحد و مستقل می‌بخشد و در آن‌ها حیات پدید می‌آورد و بدون او حیات واقعی برای جامعه امکان پذیر نیست. «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ.» (الأنفال/ ۲۴)

در سخنان حضرت فاطمه زهرا- سلام الله عليها- به عنوان الگوی همه زنان جهان در جریان بیداری اسلامی، می‌توان این شاخصه را به وضوح مشاهده نمود. دو فراز بسیار نورانی در کلمات فاطمی(س) با بهترین عبارات و عمیق‌ترین و ژرف‌ترین معانی و زیباترین جایگاه، این شاخصه را گوشزد می‌نماید:

«جعل الله الايمان تطهيرا لكم من الشرك... و طاعتنا نظاما للمله و امامتنا اماناً من الفرقه» (طبرسی، ۱۴۰۳، ص ۹۹)؛ خداوند اطاعت و پیروی از ما را برای تحکیم ساختار جامعه و امامت ما را برای در امان ماندن از تفرقه تشریح فرمود.

بیداری اسلامی اگر به دنبال مبارزه‌اش با ظلم و استکبار، در پی تثبیت مسأله رهبری دینی نباشد هیچ‌گاه از ثمرات نظام الهی بهره نخواهد برد و از تهدید تفرقه بی‌آسیب نخواهد ماند.

یکی از نقش‌های مؤثر بانوان در الگوپذیری از حضرت فاطمه زهرا (س) این است که در استراتژی خود، نخست مدار حرکت را پیرامون یک قطب مقتدر رهبری تنظیم نمایند و گرنه فتنه‌های دشمن هیمنه آن‌ها را در هم خواهد پاشید. تثبیت امامت کافی نیست و آنچه می‌تواند به صورت علت تامه، برکات دارا بودن یک جریان رهبری مقتدر را به ثمر برساند، شاخصه ولایت‌پذیری و اطاعت از اوامر ولی الهی می‌باشد. ولایت‌پذیری حضرت خدیجه از رسول الله (ص)، ولایت‌پذیری حضرت فاطمه (س) از علی بن ابی طالب (ع)، ولایت‌پذیری حضرت زینب (س) از حسین بن علی (ع) و حضرت معصومه (س) از حضرت رضا (ع) و حضرت حکیمه خاتون از امام حسن عسکری (ع) می‌تواند از بارزترین و درخشان‌ترین نمونه‌های ولایت‌پذیری باشد.

شاخصه دوم: بصیرت در فتنه‌ها

در برخی از فراز و فرودهای تاریخ، جریان فتنه به عنوان خطرناک‌ترین جریان‌های برانداز به اوج می‌رسیده است. وجه تشابه بسیار پررنگی بین وضعیت سیاسی، فرهنگی، اجتماعی صدر اسلام و فضای کنونی مرتبط با جریان بیداری اسلامی وجود دارد. در صدر اول، قطبیت و اقتدار رهبری پیامبر اکرم (ص) به جریان‌های فتنه، فرصت اوج‌گیری نمی‌داد از این رو حرکت‌های خزنده‌ای در زمان پیامبر (ص) به راه افتاد که حتی بر پیامبر دروغ می‌بستند تا کار خود را پیش ببرند و امر را بر مردم مشتبه کنند؛ تا جائی که پیامبر فرمودند: «یا ایها الناس قد کثرت علیّ الکذابه» (فیض کاشانی، ص ۳۴)

چه بسا این فتنه‌ها در جوامع اسلامی چنان جو را مغشوش و فضا را پر نماید که حق و باطل در آن گم شود. در این فضای غبارآلود و تیره که حق و باطل درهم‌تنیده و امکان تمیز حق از باطل بر بسیاری از مردم بسیار مشکل می‌شود بصیرت نوری است که بر این فضا می‌تابد و زوایای مخفی و تاریک را روشن می‌کند. البته حق هرگز تاریک نمی‌شود و بر اهلس پوشیده و مبهم نمی‌گردد. زیرا حق، نور است و علی‌رغم تلاش بی‌وقفه کافران برای کم سو کردن و یا

خاموش نمودن آن هیچ‌گاه خاموشی نمی‌پذیرد. قرآن کریم می‌فرماید: «یریدون لیطفنوا نور الله بأفواههم والله متم نوره ولو كره الكافرون.» (ص/۸)؛ بلکه بنا به فرمایش امام علی(ع) «یوخذ من هذا ضغث و من هذا ضغث فیمزجان، فهنالک یستولی الشیطان علی اولیائه» (نهج البلاغه، خطبه ۵۰)

این ترکیب ناهمگون اهل باطل سبب می‌شود تا بسیاری امور برای افرادی که از علم و آگاهی بهره‌ای ندارند و از نور باطن یا بصیرت فارغند مشتبه شود همان‌گونه که می‌فرماید: انما اشتبه علی جاهله.

دقیقاً همان‌گونه که برای فاقد بصر همه چیز و همه‌جا تاریک به نظر می‌آید برای فاقد بصیرت نیز تشخیص فتنه‌های شیطنت‌آمیز امری محال است. قرآن مجید این حقیقت را با مثالی بسیار زنده و روشن بیان می‌فرماید: «أَوْ مَن كَانَ مِيتًا فَأُخِيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَن مَّثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ.» (الأنعام/۱۲۲)

خداوند با این تمثیل ذهن‌ها را از محسوس به معقول منتقل می‌کند تا با بیان محسوس بتواند معقول را تفهیم نماید. جریان بیداری اسلامی در معرض فتنه‌های بسیار پیچیده دشمن قرار دارد. توطئه‌های طراحی شده و نقشه‌های پیچ در پیچ و غیر قابل حدس دشمن که گهگاه تظاهر به اسلام و ایمان نیز ممکن است گره بخورد خطری جدی است و فتنه‌ای سهمگین است که کارمایه خروج از آن صرفاً بصیرت می‌باشد. امام علی(ع) خطر فقدان بصیرت را گوشزد کرده، آسیب آن را بسی سنگین‌تر از فقد بصر داشته و فرموده‌اند: «فقد البصر اهون من فقد البصيره.» یکی از ویژگی‌های بارز زنان در صدر اسلام تلاش بانوان در مسیر بصیرت‌یابی و بصیرت‌آفرینی بود که نمونه بارز آن را در شرف‌یابی زنان خدمت رسول خدا و سؤال‌های مکرر آنان از ایشان و خانواده‌شان می‌یابیم. دوران خلافت امام علی(ع) که اوج چنین فتنه‌های کور بود و توانست مسلمانان را رو در روی هم قرار دهد فرصتی بود که زنان بصیر و آگاه را بر آن می‌داشت که در روحیه مردان جنگ بصیرت بیافرینند. أم الخیر بانوئی است که در جنگ صفین سوار بر شتر تازیانه به دست مردم را به حق و نور فرا می‌خواند و از آن‌ها می‌خواهد تا با بصیرت و بینش بجنگند و می‌گوید: صبرا معشر و و الأنصار و المهاجرین قاتلو علی

بصیره من ربکم و من دینکم. جالب است که او دشمن را به کفر متهم نمی‌کند بلکه می‌گوید: و باعو البصیره بالعمی و عما للیل لیصحن بادمین. (احمد بن ابی طاهر، ص ۳۸). عکرشه نیز که یکی دیگر از خطیبان صفین است مهاجرین و انصار را به بصیرت فرا خوانده می‌گوید: الله عباد الله فی دین الله ... هذه هی البدر الصغری و العقبه الأخری یا معشر المهاجرین و الأنصار امضوا علی بصیرتکم و اصبروا علی عزیمتکم. در چنین اوضاع و احوالی فقط بصیرت و دیدگاه‌های مبتنی بر نورانیت است که می‌تواند انسان را نجات دهد.

شاخصه سوم: صبر و مقاومت

صبر و مقاومت یکی از مهم‌ترین ارکان دست‌یابی به پیروزی و موفقیت است. خداوند می‌فرماید: إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ. (فصلت/۳۰) حضرت فاطمه (س) به عنوان سرور زنان جهان در این باره می‌فرماید: «جعل الله...والصبر معونةً علی استیجاب الاجر.» (طبرسی، ۱۴۰۳، ص ۹۹) خداوند صبر را راهکاری برای وصول به اجر و پاداش قرار داده است.

بررسی تاریخ اسلام نشان می‌دهد که بانوان صدر اسلام با استقامت بر طریقت، توانسته‌اند به پیروزی‌های چشمگیری نائل شوند. تاریخ مملو از عشق، ایثار، بندگی و ایفای نقش‌های مؤثر بانوان صدر اول نظیر ایجاد هسته‌های مقاومت، استقامت در تشجیع و تشویق محارم و حضور در عرصه‌های مختلف جهادی است. استقامت و صبر و پایداری حضرت خدیجه (س) در دفاع از رسول گرامی اسلام و حمایت از ایشان و نیز همراهی با حضرتش در محاصره شعب ابی‌طالب که حتی منجر به وفات آن وجود بزرگوار شد، مثال زدنی است.

از صبر و استقامت زنان در همه عرصه‌ها، نمونه‌های بارزی در تاریخ باقی مانده است که اشاره‌وار به برخی از آن‌ها بسنده می‌شود:

الف. صبر و مقاومت در جهاد علمی و تبلیغی

زنان صدر اسلام در عرصه جهاد علمی و تبلیغی نیز اسوه صبر و مقاومت بودند این جهاد در اشکال و سبک‌های متفاوت به صورت رسمی و غیر رسمی، فردی و جمعی، سری و علنی، در حضر و سفر، در صلح و جنگ، در خانه و خارج از خانه به انجام می‌رسید.

سلیمان کتانی، ادیب مسیحی معاصر می‌گوید: «فاطمه به آن همه فرهنگ و معارف کلانی که خانه وحی برای او فراهم کرده بود، بسنده نمی‌کرد؛ و به انوار خورشیدهای علم و معرفتی که او را از هر طرف احاطه کرده بودند، اکتفا نمی‌نمود؛ بلکه با تلاش بی وقفه در جستجوی علم بود و در راه کسب این شرف از پا نمی‌نشست. برای همین است که در ملاقات‌هایی که با پیامبر و علی - شهر علم - داشت، در پی این بود که علوم و معارف را به وسایل و راه‌های مختلف با ذوق و شوق بسیار فرا بگیرد. از زیباترین این وسایل می‌توان از ارسال دو فرزندش امام حسن (ع) و امام حسین (ع) به مجلس رسول خدا (ص) نام برد. او حسین (ع) را از زمانی که کودک بودند، هر روز و به صورت دایم به مجلس پیغمبر می‌فرستاد و بعد از بازگشت از آن‌ها می‌خواست که آموخته‌های خود را برایش بازگو کنند و هر سؤال و جوابی که شده بود و یا وحی که نازل شده بود را از آن‌ها می‌پرسید و بدین وسیله تلاش و همت خود را در مسیر پیشرفت فرهنگی دائم خودش و فرزندان و تربیت علمی آن‌ها به کار می‌بست تا فرزندان نیز علوم و معارف را آن‌چنان فراگیرند که بتوانند آن‌ها را بازگو کنند. این تلاش پی‌گیر و مستمر در طلب علم علی‌رغم وجود تمام مسئولیت‌هایی بود که او در قبال خانه و جامعه به عهده داشت. (کتانی، ۲۰۰۷، ص ۳۱)

در حدیث آمده است که روزی زنی نزد حضرت زهرا (س) آمد و گفت: مادر پیری دارم که در مسائل نماز سؤالاتی دارد و مرا فرستاده است تا مسائل شرعی نماز را از شما بپرسم. حضرت زهرا فرمود: بپرس. وی مسائل فراوانی مطرح کرد و یک‌یک پاسخ شنید.

همین که سؤالات به ده رسید، خجالت کشید و آثار شرم و خجلت در چهره‌اش نمایان شد و گفت بیش از این نباید شما را به زحمت اندازم.

حضرت زهرا(س) فرمود: باز هم بیا و آنچه سؤال داری بپرس. آیا اگر کسی را اجیر نمایی که بار سنگینی را به بالای بام ببرد و در مقابل صد هزار دینار طلا مزد بگیرد چنین کاری برای او دشوار است؟ زن جواب داد: نه هرگز. چه کسی است که در مقابل این مبلغ گزاف احساس خستگی کند.

آنگاه حضرت زهرا افزود: من هر مسأله‌ای را که پاسخ می‌دهم بیش از فاصله بین زمین و عرش گوهر و لؤلؤ پاداش و مزد می‌گیرم پس سزاوار است که بر من سنگین نیاید. و سپس حدیثی بسیار شنیدنی از پدر خود در منزلت عالم و علم بیان کرد که آن زن را غرق در سرور و ابتهاج نمود. (مجلسی، ۱۱۱۰، ج ۲، ص ۳)

ب- صبر و مقاومت در جهاد و دفاع رزمی. سمیه یکی از اصحاب گرانقدر پیامبر اکرم (ص) و مجاهدی عظیم‌الشان است و بانویی با اعتماد به نفس قوی است. در شب عقبه خدمت پیامبر آمده با او بیعت کرد و در جنگ احد همراه همسر و دو پسرش شرکت کرد.

او به مجروحین رسیدگی می‌کرد و برایشان آب و غذا می‌رساند که ناگهان متوجه شد مسلمانان شکست خورده‌اند و مردم دسته‌دسته از میدان جنگ فرار می‌کنند. خود را سراسیمه به پیامبر رساند. شروع به تیراندازی به سوی دشمن کرد تا جایی که تیرهایش تمام شد. او خود می‌گوید وقتی پیامبر دید که من سپری ندارم به مردی از مسلمانان که در حال فرار بود گفت سپرت را بینداز. آنگاه آن سپر را برداشته و به حمایت از پیامبر اکرم پرداختم.

پیامبر بارها از سمیه تجلیل می‌فرمود و او را بر بعضی از مردان مسلمان ترجیح می‌داد و می‌فرمود: در روز احد به هر طرف برمی‌گشتم سمیه را می‌دیدم که برای پاسداری از من می‌جنگد. (اعیان النساء، ۱۴۰۳، ص ۶۱۱)

ج. صبر و مقاومت در جهاد اقتصادی

حضرت خدیجه(س) به عنوان نخستین زنی که به پیامبر (ص) ایمان آورد و از «سابقون» محسوب می‌شد در عرصه وفاداری به پیامبر و جهاد اقتصادی بسیار سرآمد شد، ابن اثیر در «اسد الغابه»، ابن حجر در «الاصابه» از جزئیات صبر این

بانو در جهاد اقتصادی حکایت‌های فراوانی نقل می‌نماید. در آن دورانی که پیامبر خدا یار و یآوری نداشت، روزی ورقه عموی حضرت خدیجه، به درخواست او به خانه خدا آمد و در بین زمزم و مقام ایستاد و با صدای بلند گفت: ای گروه‌های عرب! خدیجه شما را گواه می‌گیرد که او برای خاطر تجلیل و تکریم و علاقه به محمد (ص) خودش و مالش و برده‌ها و خدمتکارانش و جمیع آن چه مایملک اوست و گوسفندان و گاوها و مهرش را و هدایایش را هدیه محمد (ص) می‌کند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۶، ص ۱۷)

امروزه خیزش موج بیداری اسلامی در وضعیتی است که به جهاد زنان در عرصه‌های مختلف نیازمند است. الگو‌گیری از بانوان صدر اول و مقاومت آن‌ها در سختی‌های اقتصادی می‌تواند در رشد و بالندگی این جهاد تأثیر فراوان داشته باشد. گاهی فشارهای سیاسی و محاصره اقتصادی حکومت، زنان را در سخت‌ترین شرایط فقر و محرومیت قرار می‌داد به گونه‌ای که نقل است در عصر هارون عباسی فشارهای اقتصادی بر خاندان پیامبر آن قدر فراوان شده بود که گاهی زنان این خاندان برای نماز پوشش کافی نداشتند و پوشش خود را به یکدیگر قرض می‌دادند. (اصفهانی، ص ۵۹۹)

شاخصه چهارم: استفاده از فرصت‌ها در استراتژی زنان صدر اسلام

یکی از شاخصه‌های مهم در جریان بیداری اسلامی در صدر اول این است که مسلمانان این دوره با تاسی به سیره پیامبر اکرم (ص) فرصت‌ها را به صورت بسیار مناسبی رصد نموده و از آن‌ها بهره‌وری می‌نمودند.

علی ابن ابی طالب (ع) درباره اغتنام فرصت‌ها می‌فرماید: «الفرصة تمر مرّ السحاب فانتهزوا فرص الخیر...» (نهج البلاغه، قصار، ص ۲۱)، فرصت‌ها همانند ابرهایی هستند که با سرعت از آسمان می‌گذرند؛ پس فرصت‌ها را غنیمت بشمارید.

استفاده از فرصت‌ها به عنوان یک روش و استراتژی اصلی در بیداری اسلامی بانوان صدر اسلام در گونه‌ها و نمونه‌های مختلفی ظهور می‌نماید که می‌توان از جمله این موارد فرصت حج را برشمرد.

رصد فرصت حج به عنوان بزرگترین کنگره جهان اسلام یکی از بهترین فرصت‌ها است. در این فرصت بی‌بدیل که همه اقشار مسلمانان از کشورهای مختلف برای انجام مراسم مذهبی و مناسک حج جمع می‌شوند، یک گردهمایی عظیم جهانی به وجود می‌آید که می‌توان از آن بهره‌بردارای‌های بایسته و شایسته‌ای به انجام رساند.

نمونه‌هایی از این بهره‌بردارای‌ها را در بیداری صدر اول مشاهده می‌نماییم. همیشه موج اسلام‌گرایی از کنگره عظیم حج فراگیرتر می‌شد و حتی در مواردی بیعت‌های نخستین تازه مسلمانان با پیامبر اکرم(ص) در این همایش عظیم معنوی جهانی به وقوع می‌پیوست.

در بیداری اسلامی دوران معاصر نیز لازم است که این فرصت‌ها را به بهترین وجهی رصد نمود.

شاخصه پنجم: شجاعت در حق‌طلبی

شجاعت در حق‌طلبی یکی دیگر از عناصر و ارکانی است که به استراتژی دفاعی و جهادی بانوان صدر اسلام تشخص و قوام می‌بخشید. شجاعت به عنوان یکی از ملکات عالییه نفسانی یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین مواد برای ایجاد بنیانی مرصوص در برابر دشمن است. تجلی شجاعت در برخی از جلوه‌های رفتاری بانوان صدر اول، در حد اعجاب‌انگیزی ستودنی است. نمونه زیر یکی از این موارد است:

سوده بن عمار از شاعره‌های مخلص امیرالمؤمنین بود و کسی بود که حتی در عرصه جنگ صفین حضور یافت و جنگاوران را بر کارزار ضد معاویه تشویق می‌کرد. روزی در مجلس معاویه بود، معاویه با لحنی تهدیدآمیز از او پرسید: آیا این اشعار را تو در روز صفین را می‌خواندی؟

وانصر علیا و الحسین و رهطه
واقصد لهندو ابنها لهوان
ان الامام اخوالنبي محمد
علم الهدی و مناره الايمان

وی با صراحت جواب داد: «نعم لست ممن رغب عن الحق أو اعتذر بالكذب»؛ آری من کسی نیستم که از حق روی گردانم یا به دروغ عذر آورم. (احمدبن ابی

زرقا زنی دیگر بود که در جنگ صفین، برای تشجیع سپاهیان، شعر می‌سرود. روزی او را برای توبیخ و تحقیر پیش معاویه آوردند. پس از مباحثاتی معاویه گفت: ای زرقا! به خدا قسم تو با این اشعارت، خودت را در هر خونی که علی (ع) ریخته شریک کرده‌ای.

او جواب داد: چه مزده زیبایی دادی. واقعاً از شخصی مثل تو توقع چنین بشارتی می‌رود. (همان، ص ۳۴)

چنین شجاعت ستودنی که از این شیر زن بروز می‌کند می‌تواند مقتدای تمامی زنان تاریخ به ویژه زنان در بیداری اسلامی مؤثر خواهد بود.

شاخصه ششم: حضور تبلیغی در جبهه‌های جنگ

زنان صدر اول هرگز به خود اجازه ندادند میادین جنگ را برای مردها خالی کنند بلکه نقش تبلیغی خود را حتی در عرصه جنگ هم به عهده گرفتند. آن‌گاه که شمشیرهای برهنه بر بالای سر جنگ‌آوران برق می‌زد، و خون از پیکرهای پاک مجاهدان بر زمین می‌ریخت و خاک صفین را داغ و گلگون می‌نمود، حضور زنان مسلمان در آن حال، حرارت را از زمین پر خون برگرفته و در وجود مجاهدان راستین حقیقت، چونان آتشی پر فروغ شعله‌ور می‌ساخت و بدین وسیله وجود مجاهدان شعله می‌گرفت و نیروهایشان چند برابر می‌شد و ایمانشان تقویت می‌گشت.

از میان مثال‌های تاریخی می‌توان حضور سوده را در جنگ صفین یادآور شد. سوده در میان صدای به هم خوردن شمشیرها و تیرها و شیهه اسبان با ابیات خویش حماسه می‌آفرید و قبیله خود «عمار» را به یاری علی (ع) دعوت می‌نمود.

ام‌الخیر نیز بانویی بود که در صفین صدایش زلزله بر اندام مردها می‌افکند و

قلبها را به طپش می آورد. او بر شتری خاکستری رنگ سوار گشته، تازیانه‌ای به دست گرفته و با صدای بلند مردم را چنین مخاطب قرار می‌داد:

ایها الناس اتقوا ربکم إن زلزله الساعه شیء عظیم. ان الله قد اوضح الحق و ابان الدلیل و نور السبیل و رفع القلم. فلم یدعکم فی عمیاء مبهمه و لا سوداء مدلمه الی این تریدون رحمکم الله. افراراً عن امیر المؤمنین ام فراراً من الزحف ام رغبه عن الاسلام. ام ارتداداً عن الدین... (زکی صفوت، ۱۹۲۳، ج ۱، ص ۱۹۳)

شاخصه هفتم: حفظ حریم‌ها و شئون‌های شرعی در قلمرو حجاب و عفاف

هم اکنون قرن پرآوازه شدن داعیه کاذب و پرجنجال تساوی حقوق زن و مرد است و کنوانسیون‌های مختلف با کمک جنبش‌های فمینیستی در غرب به زعم خود برای بهبود حقوق و در جهت تثبیت جایگاه واقعی زنان، سیاست‌ها و برنامه‌هایی را ترویج می‌کنند که در آن حریم‌ها و شئون‌های زنانه را به مسلخ برده و به بهانه ایجاد برابری و فرصت‌های شغلی برابر و آموزش‌های مختلط، توصیه‌های شریعت را در قلمرو حقوق و تکالیف زنان نادیده می‌گیرند.

بانوان صدر اسلام در رویارویی و مواجهه با جریان‌های مختلف فکری، فرهنگی و جهادی زمان خود در عین حفظ حضور پویا و فعال، متوجه حفظ حریم و شئون‌های زنانه خود بودند و در عرصه‌های مختلف این حریم‌ها را پاس می‌داشتند. هر چند در سوره‌هایی نظیر آل عمران/۱۹۵، غافر/۴، توبه/۷ و نحل/۷ با نمونه برخورد یکسان خداوند با زن و مرد مواجه می‌شویم ولی در مجموعه آیات قرآن در ترسیم نظام حقوقی زنان، اصل توجه به حریم و شئون‌های زنانه و تفاوت‌های تشریحی متناسب با تکوین مورد غفلت قرار نگرفته است.

بانوان مسلمان صدر اسلام حتی هنگامی که در کسوت یک مقوله مردانه نظیر جهاد رزمی در صحنه رویارویی نظامی قرار می‌گرفتند، به حفظ حجاب و عفت و رعایت حدود شرعی خود توجه داشتند این استراتژی کلی خود را در مدل‌های متفاوت ارائه کرده‌اند.

الف. الگوگیری از مدل بیعت زنان صدر اسلام در رعایت حریم‌های شرعی

بازتاب توجه به استراتژی کلی رعایت شئون شرعی در قلمرو مسائل زنان در بسیاری از عملکردهای خاص در تاریخ صدر اسلام، نمایان می‌گردد. یکی از آن موارد نوع خاص بیعت زنان است.

در سوره ممتحنه آیه ۱۲ خداوند به پیامبر (ص) امر می‌فرماید که بیعت زنان را به رسمیت بشمارد. «یا ایها النبی إذا جاءک المؤمنات ینایعنک علی أن لا یشرکن بالله شیئاً ولا یسرفن ولا یزنین ولا یقتلن أولادهن ولا ینسبن بیهن یفتربنه بین یدیهن وأرجلهن ولا یعصینک فی معروف فبایعنهن واستغفر لهن الله إن الله غفور رحیم»^۲

ولی چنانچه در تاریخ صدر متواتر است مدل بیعت زنان نشان از بازتاب تجلی بنیادهای فکری دین اسلام در نمادها و نمودارهای آن دارد. زنان برای بیعت با خود دست خود را تحت آبی می‌گذاشتند که پیامبر (ص) و امام علی (ع) دست‌های مبارک خویش را به قصد پذیرش بیعت در آن می‌نهادند. حضرت فاطمه بنت اسد نخستین زنی بود که با پیامبر (ص) بیعت نمود. و این مدل نمادین از صدر اول اسلام پایه‌گذاری گردید. در بیداری اسلامی نیز زنان، باید با اقتدا به این الگوها در همه فراز و فرودهای جریان‌های بیداری اسلامی به حفظ حریم و شئون شرعی توجه داشته باشند.

ب. الگوگیری از مدل حجاب حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها در حضور معترضان سیاسی

یکی از جلوه‌های مهم مبارزاتی حضرت فاطمه (س) حضور سیاسی ایشان در مسجد و ایراد خطبه فدکیه در بین زنان و مردان بود. از دیدگاه دین مبین اسلام، در فراز و فرودهای زندگی، شئون و حریم‌های شرعی محفوظ می‌مانند. حضرت فاطمه (س) آنگاه که کسوت جهاد فرهنگی به قامت مبارک خود پوشیده و برای

دفاع از ولایت برای آفرینش یک حادثه تاریخی به منبر می‌روند، در همان هنگام شئون شرعی و حفظ حریم‌ها را به گونه‌ای ممتاز ارج می‌نهند. آن‌سان که یاد و خاطره آن در تاریخ باقی مانده است. در وصف نوع مشی و حجاب ایشان در این حضور سیاسی آمد است:

مقنعه به دور سر پیچید، چادر برگرفت و در میان گروهی از یاران و زنان قومش در حالی که بلندی چادرش به زمین می‌کشید به راه افتاد، راه رفتن ایشان چیزی از راه رفتن رسول خدا کم نداشت. (طبرسی، ۱۴۰۳، ص ۹۸)

هم اکنون در خیزش موج حوادث مربوط به بیداری اسلامی، حضور سیاسی زنان در تظاهرات و تجمع‌ها بسیار وسیع و عمیق است. رعایت حجاب و حفظ حرمت‌ها و شئون شرعی در روابط زن و مرد در اوج این حضورهای معترضانه سیاسی اگر بتواند مطابق سیره فاطمی و با الگوگیری از بانوان صدر اسلام، به انجام رسد، برکات و پیامدهای مثبت فراوانی را در پی خواهد داشت. از جمله این پیامدها، این است که مردم جهان خواهند فهمید شعارهای سیاسی بیداری اسلامی مبتنی بر یک شعور فرهنگی پایدار است و حضور سیاسی زنان در بیداری اسلامی از سنگر تفکرات دینی و بر پایه زیرساخت‌های فکری عمیق اسلامی شکل گرفته است زن مسلمان در هر شرایطی به آیات قرآن نظیر آیه حجاب ملتزم است

شاخصه هشتم: اتخاذ استراتژی مناسب و متناسب با ظرفیت‌ها مبتنی بر عدالت‌گرایی اسلامی

یکی از شاخصه‌های مهم در استراتژی‌های موفق، عدالت‌گرایی است. از یک چشم‌انداز شاید عدالت‌گرایی از ایمان نیز در پایداری یک نهضت تأثیرگذارتر است چنانچه در روایات آمده است: «الملک یبقی مع الکفر و لایبقی مع الظلم». مملکت با کفر ممکن است باقی بماند ولی با ظلم از هم فرو می‌پاشد.

در صدر اول، عدالت معنا و مفهومی خاص داشته و تحقق آن به نحو ویژه‌تری مورد توجه بود. تازه مسلمانان از عدالت تصویری داشتند که در هم

ریختن آن به خروج ایشان از دین منجر می‌شد. عدالت در دین اسلام در سه بُعد مهم مطرح می‌گردد: ۱. عدالت تکوینی ۲. عدالت تشریحی ۳. عدالت جزایی. در جهان‌بینی اسلامی عرصه تکوین در آفرینش، به عنوان نظام منتخب الهی و نظام احسن تلقی می‌شود.

در این نظام هر چیزی به تناسب در جای خود قرار گرفته است عدل نیز در مفهوم «وضع الشیء فی موضعه» (مفردات راغب اصفهانی، واژه عدل). به صورتی وسیع گویای همین معنی است.

در نظام تکوین هر چیزی در سر جای خود نهاده شده و هر عضوی از اعضاء و هر سلولی از سلول‌ها در جایی که برایش معین شده است قرار و آرام گرفته‌اند و از حد و حریم خود تجاوز نمی‌نمایند. همان‌گونه که قوانین الهی در خلقت و طبیعت حاکم است همه بر مبنای سنت و فطرت و متناسب با استعدادها تنظیم گردیده‌اند، هر یک از زن و مرد نیز در نظام تکوین و تشریح جایگاه مربوط به خود را دارند و تساوی در این دیدگاه ناقض عدالت است.

تقسیم کار عادلانه، توزیع مسؤولیت‌ها در بیداری اسلامی متناسب با شئون و جایگاه‌های افراد از نکات مهمی است که باید در استراتژی‌های دفاعی و جهادی مورد توجه قرار گیرد و این مطلب با اتخاذ استراتژی واحد و الگوی واحد منافات دارد.

رهبر معظم انقلاب درباره رعایت این الگوی متناسب و متعادل در موج بیداری اسلامی جدید نکته راهبردی دقیقی را توجه و بیان نموده‌اند. ایشان می‌فرمایند: «البته بین کشورهای اسلامی مشترکاتی وجود دارد و تمایزهایی نیز هم وجود دارد. هیچ الگوی واحدی برای همه کشورهای اسلامی وجود ندارد. در کشورهای مختلف شرایط جغرافیایی، شرایط تاریخی، شرایط اجتماعی مختلف است و هر چند اصول مشترکی هم وجود دارد؛ همه با استکبار دشمنیم و همه با تسلط و سیطره خباثت‌آمیز غرب مخالفیم. همه با وجود غده سرطانی اسرائیل مخالفیم» (بیانات، ۱۳۹۰).

ملاحظه توانمندی‌ها، رعایت ظرفیت‌ها، تقسیم عادلانه مسؤولیت‌ها متناسب با ظرفیت‌ها و استعدادها، در بیانات گهربار حضرت فاطمه (س) نشان دهنده جایگاه

مهم این اصل در اتخاذ استراتژی است.

حضرت فاطمه (س) در این باره می‌فرماید: « وتالله لو مالوا عن المحجه الاثحه و زالوا عن قبول الحجه الواضحه لردّهم اليها و حملهم عليها. و لساربههم سيرا سباحاً لا يكلم حشاشه و لا يكل سائره و لا يمل راکبه. و لاوردهم منهلاً نميراً صافياً رويماً تطفح ضفته و لا يترنق جانباه و لا صدرهم بطاناً و نصح لهم سراً و اعلاناً و لم يكن يتحلى من الدنيا بطائل و لا يحظى منها بنائل، غير ري الناهل، و شبعه الكافل.» (طبرسی، ۱۴۰۳، ص ۱۰۹)؛ به خدا قسم که اگر کارها در دست علی قرار می‌گرفت و افرادی از راه روشن روگردان می‌شدند و از قبول حجت و دلیل واضح سرباز می‌زدند، علی آن‌ها را به آن راه باز می‌گرداند و به قبول آن حجت و ادارشان می‌کرد و آنچنان با نرمش و مدارا و گذشت و بزرگواری آن‌ها را پیش می‌برد که به عاجزان و درماندگان آسیبی نرساند و پیادگان را خسته و درمانده نسازد و سواره‌هایش را به ستوه نیاورد و آن‌ها را به سرچشمه زلال و صاف و سرشاری وارد می‌کرد که از دو جهت لبریز و سرشار بود و هر دو طرفش هرگز تیره و آلوده نمی‌گشت و با شکمی پر و سیراب از آن جا بیرونشان می‌آورد و در پنهان و آشکار پندشان می‌داد و خیرخواهشان بود و خود از دنیا زیور و آرایه‌ای زائد بر نمی‌گرفت و از سود و نفعی بهره‌مند نمی‌شد مگر به اندازه سیر شدن تشنه‌کام، و سیراب شدن روزه‌دار همیشگی.

با دقت در این بیانات فاطمی، روشن می‌شود که سیره پیامبر عظیم‌الشان اسلام نیز بر همین مبنا استوار بوده و تاریخ بهترین گواه این حقیقت است.

شاخصه نهم: عقلانیت مداری

منزلت عقل، در هندسه معرفت دینی نشان می‌دهد که دین اسلام با عقلانیت پیوندی ناگسستنی دارد و آنان که از سرچشمه معرفت جرعه می‌نوشند بهترین عبادت را تفکر و بالاترین عبادت را ژرفاندیشی بر می‌شمرند.

در آموزه‌های اسلامی و متون روایی عقل و تفکر به عنوان هدف بعثت انبیاء شمرده شده و قرب و عبودیت هم‌پایه معرفت عقلی قلمداد گردیده است.

آنچه که مسلم است این است که بسیاری از بانوان اسوه صدر اسلام در زمان

خود و بنا به مقتضیات عمر خویش، امی و بی سواد بودند؛ ولی علی رغم آن، وحی را از سرچشمه می نوشیدند و با عمل به دستورات وحی، جوهره عقل خود را منور می نمودند.

گاهی در رویارویی و استراتژی برخورد این بانوان با جریانات فضای فکری، فرهنگی - سیاسی زمان خود، درایت‌ها و هوشمندی‌ها و تعمق‌هایی یافت می شود که اعجاب برانگیز است. برخی از این موارد در اوج بحران‌های ذهنی و عاطفی بوده است. استدلال که یکی از نشانه‌های قوت و رشد عقلی است به عنوان پشتوانه اتخاذ تصمیم‌ها و پایه رفتارهای برخی از این بانوان قرار می گرفت و در فراز و فرود بیانات این بانوان تجلی می نمود.

می توان نامه‌ام سلمه به معاویه را نمونه‌ای کوچک از مصادیق فراوان این عقل‌مداری نام برد:

پس از این که امام علی (ع) شهید شد معاویه به تمام کشورهای اسلامی ابلاغ کرد که باید در منابر بعد از نماز علی (ع) را لعنت کنند. این سخن به گوش ام سلمه همسر پیامبر رسید و او نامه‌ای به این مضمون به معاویه نوشت: شما بر بالای منابر تان خدا و رسولش را لعنت می کنید و این بدین دلیل است که شما علی ابن ابی طالب و دوستانش را لعنت می کنید و من گواهی می دهم که خدا و رسولش دوست دار او هستند. (حکیمی، ۱۴۰۳، ص ۶۲۷)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نتیجه گیری

فقدان برنامه‌ریزی استراتژیک به عنوان یک آسیب جدی در جریان بیداری اسلامی امری محسوس است که در حال حاضر موجب بروز مشکلاتی در راه اعتلای جریان بیداری اسلامی است.

مهمترین آسیب‌ها را می‌توان عبارت از عدم پیش‌بینی رویدادهای آتی، ابهام در اهداف و فراوانی تصمیمات کوتاه مدت و کمبود تصمیم‌های آینده‌نگر دانست و همه این آسیب‌ها مولود نامبارک ضعف وجود رهبری واحد و صحیح و ضعف بصیرت و عدم توجه به فرصت‌ها و به طور خلاصه نداشتن استراتژی مشخص و مداوم است و خنثی شدن برخی از پیشرفت‌ها و تغییر مسیر دادن برخی از فعالیت‌ها ریشه در عدم توجه به این استراتژی دارد. ابعاد این استراتژی با گذشته کاوی و پیشینه شناسی جریان بیداری اسلامی در دوره صدر اول اسلام قابل استنباط است و کشف و اصطیاد شاخصه‌های بارز، رفتارها و بینش‌های سیاسی بانوان نمونه صدر اسلام می‌تواند الگویی را برای ما ترسیم نماید که بر اساس آن بتوان به یک استراتژی همه جانبه و موفق دست یافت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. قرآن کریم
۲. عمید، حسن (۱۳۷۱)، فرهنگ عمید، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم.
۳. شیخ صدوق (۱۴۱۳)، من لایحضره الفقیه، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۴. ابن شهر آشوب مازندرانی (۱۴۳۲)، تصحیح: سید علی سید جمال اشرف حسینی، المطبعة الحیدریه.
۵. علامه امینی (۱۳۷۲ق)، الغدیر، ترجمه محمد تقی واحدی، مرکز تعلیمات اسلامی واشنگتن.
۶. فیض کاشانی، مولی محسن، النوادر فی جمع الاحادیث، تهران: شمس.
۷. طبرسی (۱۴۰۳ق)، الاحتجاج، مشهد: مرتضی، ص ۹۹.
۸. نهج البلاغه (بی تا)، سید علی نقی فیض الاسلام، تهران: سرای امید.
۹. علامه مجلسی (۱۴۰۴ق)، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسه الوفاء

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی